

أوان الثورة قد آن

هنگامه انقلاب شد

پس کی ما را درمی یابی؟ جهنم تفرقه ما را دیگر از پای درآورد  
اگر بسوی ما بیایی، بدن بعضی را جسدهایی پاره پاره میبینی  
بعضی با شمشیر ذبح شدند و بعضی با انفجار زجر کش شدند  
مولای من به کودکانی که مظلومانه در قانا قتل عام شدند قسمت می دهم  
مولای من با شتاب ظهور کن که زمان انقلاب فرارسید  
من به مهدی شیعه اعتقاد دارم، مولای من به شکایت من گوش بسیار  
اول از ظالمین شکایت می کنم و اشک از احساس من حکایت دارد  
مولای من به سرزمینم نگاه کن، منظوم فقط لبنان نیست  
من یک انقلابی عرب هستم که در مصر صدای اذان را شنیدم  
در عدن نماز خواندم در قطیف پیامبر را زیارت کردم  
در سامرا نیت روزه کردم و در کویت نماز عشا خواندم  
در ستره (بحرین) زکات فطره دادم و در جبل عامل (لبنان) سرافرازیمان بود  
سرزمینمان را از دست دشمن آزاد کردیم و خونمان را برای نیل (سوریه) هدیه کردیم  
ظالمین بر وطن (اسلامی) من ستم کردند و حریم زنانمان را مباح شمردند  
کودکانی که زبان نگشوده اند را کشتند، گفتند اگر بزرگ شوند دشمن ما خواهند بود  
با تبلیغاتشان به اسلام ظلم کردند مانند ملخهایی که بوستانی را نابود می کنند

و نقول متى قد تلقانا و جحيم الفرقة اعرانا  
ان جنئت الينا قد تلقى اشلاء كانت ابدانا  
بعض بالسيف قضى ذبحا والبعض بتفجير عانى  
أقسمت عليك باطفال قد سلت ظلما في قانا  
مولانا فلتخرج عجلا فأوان الثورة قد آن  
مهدي الشيعة معتقدي اسمع مولاي لشكوانا  
فسأشكو الظالم مبتدءا والدمع يحاكي الوجدان  
انظر مولاي الى وطني لم أقصد حصرا لبنان  
إني عربي ثوري في مصر سمعت الأذان  
أديت صلاتي في عدن بقطيف زرت العدنان  
و نويت الصوم بسامرا بكويت صليت عشانا  
زكيت الفطرة في ستره و بعامل قد كان علانا  
حررنا الأرض من العادي ولنبل أهدينا دمانا  
جار الظلام على وطني وأباحوا أعراض نسانا  
قتلوا أطفالا ما نطققت قالو إن يكبر عادانا  
ظلموا الاسلام بدعوتهم كجراد يحرق بستان

أفتى بالكفر على ديني عر عور يحمل قرآن  
ولحاه تحنت من دمي عن قتلي لا لم يتوان  
ذاك الزنديق غدا يفتي قد عاد ليزهق مسرانا  
كالبرص يحب الله بأن يمحي عن ظاهر دنيانا  
عر عر ما شئت أيا وزغا لن تبعد سمتا خطوانا  
ان كان الحب لحيدرة يعدو في العقبة خسرا  
سنموت و نحيا و ننادي ما غير علي مولانا  
البسمة غارت في حزن لشهيد عبد مسرانا  
ضاحية العز لكم عزفت لحنا قد ارجع بنيانا  
ولنصر الله هدت روحا وبصدق وعدا أهدانا  
فأرادوا الذل لأشياح لحسين تذرّف تحنانا  
دمعا جمرا لا لن يخبو حتى تاتي يا مولانا  
وجع الأطفال يناديكم آلام الجرح بجرحانا  
قلب قد اثكل في ظلم أنات القيد لأسرانا  
طيفا نرجو يا سيدنا وبطيفك نكل عينا  
انظر مولاي الى مصر شهر قد سمي شعبان  
وتكلل درا من در والشيوخ بمحياه ازدان  
قد اوقد شمعة مولدكم رفع التهليل لبشرانا  
فأنته حشود ضارية قتلته بمجمع من كان

عر عور که قرآن به دست گرفته بود فتوا داد دین من کفر است  
و ریشش از خون ما رنگین شد، در کشتن من درنگ نمی کند  
آن زندیق دوباره دارد فتوا می دهد دوباره میخواهد راهمان را نابود کند  
خدا دوست دارد که او مانند جذام از دنیای ما پاک شود  
ای وزغ هر چه میخواهی یاوه بگو، گامهای ما ذره ای منحرف نخواهد شد  
اگر محبت حیدره (از القاب دشمن شکن مولا علی) دارم، دشمنی اش خسارت اخروی است  
می میریم و زنده می شویم و ندا می دهیم جز علی کسی مولای ما نیست  
در غم شهیدی که راه ما را هموار کرد لبخند گم شد  
ضاحیه ی سربلند چندبار سرود پایداری سرایید  
و روحش را به نصرالله هدیه داد و او با صداقت وعده ای به ما داد  
خواستند شیعیانی را به ذلت بکشند که برای حسین اشک و ناله می کند  
مولای من، اشکهایمان جاری خواهد ماند تا تو بیایی  
درد کودکان تو را می خواند و دردهای زخم مجروحان  
قلبی با ظلم داغ دیده شد و اسرای ما در بند ناله می کنند  
گوشه چشمی به ما کن سید و آقای ما، و به گوشه چشمت، چشمانمان را سرمه می کشیم  
مولای من به مصر بنگر در ماهی که به آن شعبان می گویند  
ماهی که مزین است با نام شما و شیخ از زینت ان مزین شده  
شمع ولادت شما را روشن کرده بود و درخشید برای بشارت دادن به ما  
جمعی درنده آمدند و او و همراهانش را کشتند

ما ذنب شحاتة كي یردی جابوا بالجسم التریان  
وشهید ولاء قد اُمسى بسما مصر نجما بان  
الکل ینادی وا عجلا و دعیّ البحرین تجانی  
قد سل العزل من شعب و الشعب عصي ما هان  
سل عنه دروبا قد شهدت قمعا حقدا لا یتوانی  
بحرین تصلي في الحائر والشام تناجي الرحمن  
الله ننادي يا فرجا العجل العجل لمولانا  
فدماء حسین قد فارت و اوان الثورة قد آن

گناه شحاته چه بود که دریده شود، جسد خاکی اش را برگرداندند  
و شهید ولایت شد که ستاره ای در آسمان مصر خواهد ماند  
همه فریاد العجل سر می دهند، و گستاخ بحرین جنایت می کند  
بیگناهان ملت را کشت و ملت هر قدر اهانت می شود ثابت قدم باقی می ماند  
از آن ملت پیرس از راهپیمایی هایی که شاهد قلع و قمع کینه توزانه و بیدرنگ است  
بحرین در حائر نماز می گزارد و شام، خداوند را می خواند  
فرجی از خدا می خواهیم، العجل العجل برای ظهور مولای ما  
که خون حسین جوشید و زمان انقلاب سر رسید



تالیف و اجرا: محمد نایف  
ضبط، میکس و ویدئو: AV Studio  
با تشکر ویژه از شاعران:  
فادی حدرج - علی طالب  
ترجمه و آماده سازی متن: محمود علوی